



آموزشهایی درباره سازمان

(۳)

۴۶۳

بخشهایی از کتاب :

تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیستهای چاپ نما



تحلیل آموزشی بیانیه اپورتونیستهای چپ نما
از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران
xalvat.com بهار ۵۸

فهرست

	– تقدیم بسه
	– درباره انتشار این کتاب
	– اطلاعیه تعیین مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر
۱	جریان اپورتونیستی (انحرافی) چپ نما .
۵	– مقدمه
	بخش اول : درباره مسائل تشکیلاتی ... سازمانی
۳۳	فصل اول – مروری بر تاریخچه اپورتونیستی
۴۶	۱- ناچیز جلوه دادن نقش "رضا"
۴۸	۲- سوء استفاده از طرح تقسیم شاخه‌های سازمان
۴۸	۳- سلطه اپورتونیسم بر یکی از شاخه‌ها
۴۹	۴- به بن بست کشیدن بحثهای استراتژی
	۵- اشکال تراشی ایدئولوژیک و نقض سکتاریستی و فرصت طلبانه
	قرار مربوط به عدم طرح این مسائل در سطوح پایین تر و
۵۲	تعهد مبنی بر به تردید نینداختن این سطوح .
	۶- نقل و انتقالات تشکیلاتی به منظور گسترش و نفوذ دامنه
۵۵	عمل اپورتونیسم .
	۷- یورش به بنای عقیدتی
	۱- روشهای غیر مستقیم
	۲- روشهای مستقیم



- ۲- برخی از روشهای مستقیمی که در جریان تغییر دادن
ایدئولوژی اعمال شده است :
- ۱۷۱ xalvat.com الف - سرکوب ایدئولوژیک افراد از طریق عرصه
کردن شخصیت آنها ، استفاده از همه نوع
برچسب و مارک تحت عنوان " انتقاد "
- ۱۷۱ ب - گرفتن مسئولیت افراد مقاوم و خلع سلاح
و قطع ارتباط آنها با یکدیگر ، فرستادن شان
به کارگری ، مضافاً بر عدم احساس کمترین
مسئولیت ایمنی در برابر آنها
- ۱۹۶ - نمونه شکست برنامه تعلیماتی ۳ سال اول
فعالیت سازمان (۴۴ - ۴۷) -
- ۲۱۵ - " پایان یافتن کار تدوین ایدئولوژی
د - جاسوسی ، تهدید ، شکنجه و گشتار به منزله
آخرین کلام در پیرویه تکاملی اصلاح و آموزش
واقفان اپورتونیستهای به منظور " سرکوب "
مجاهدین مقاوم .
- ۲۲۱ ا- سوء استفاده فرصت طلبانه از عمل نظامی بمنظور تحکیم
مواضع اپورتونیستی .
- ۲۳۲ ۹- مبانی نظری و تئوریک اپورتونیسم یا خوش خدمتی غیر
مستقیم به امپریالیسم ورژیم شاهیه بهانه " تحلیلی
اقتصادی " .
- ۲۴۰ - موخره فصل اول - سختی با مردم و نیروهای خلقی
- ۲۴۹ - ضمیمه اطلاعیه سیاسی نظامی شماره ۲)
- ۲۶۰



به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

xalvat.com

توضیح در مورد انتشار کتاب حاضر

کتابی که اکنون در دست دارید نخستین نشریه از مجموعه آثار سازمان مجاهدین خلق ایران پس از سلطه منحرفین چپ نما بر سازمان در سال ۵۴ می باشد که برای انتشار در خارج از سازمان و در سطح عموم آماده شده است. چنانکه در مقدمه همین نشریه اشاره شده، کتاب حاضر اساساً "عین تحلیلی" است که به منظور آموزش درونی اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بصورت سوال و جوابهای آموزشی تنظیم شده و بسیاری قسمتهای آن نیز در یکی از شاخه های سازمان عیناً "آموزش داده شده است".

تحلیل مزبور دقیقاً "بدنیال ضربه اپورتونیستها به سازمان مجاهدین و در اواخر تابستان سال ۵۴ آغاز و سپس تا سال ۵۷ تدریجاً "مدون گردید".

تدوین بخش حاضر و آماده کردن آن برای چاپ در پایان یاغیز سال ۵۷ به اتمام رسید لکن به دلایلی که مهمترین آن اشتغال مریوط به شرکت سازمان در قیام مردمی ضد استبدادی در طول ماههای آخر سال ۵۷ است، به تعویق افتاد.

اکنون در آستانه نوروز سال ۵۸، نخستین بهار خجسته آزادی انتشار جزوه حاضر به یاری خدا میسر گردید. به امید آنکه بتوانیم در فرصت های مناسب آینده بخش های بعدی را نیز آماده انتشار کنیم.



بخایراین ، خوانندگان گرامی بایستی به یاد داشته باشند که مفاد جزوهای که هم اکنون در دست دارند عیناً " و تماماً " در شرایط سلطه ننگین شاه سابق تحریر شده است ، باز هم باید تاکید نمود که انتشار مجموعه حاضر صرفاً " به منظور بهره گیری تمام مبارزان و مجاهدان ایرانی از یکی از دردناکترین تجارب سیاسی - تشکیلاتی معاصر است تجربه ای ملی و نه فقط مربوط به یک گروه خاص ، که هرگز نبایستی در خدمت بحث های نفاق انگیز و دشمن شاد کن بکار گرفته شود . بعکس منظور ما از تحلیل این تجربه کمک به غنای مبانی تفوریک مبارزه واحد ضد امپریالیستی تمام مردم ستمکش مهین خونبار مان است ، که تنها با تجزیه و تحلیل عوامل تفرقه و نفاق درونی نیروهای مردمی امکان پذیر است .

بخایراین انتشار جزوه نبایستی با یادآوری بیجای گذشته تلخ و مسموم ، و یا چوب زدن جریان انحرافی که اکنون بکلی از تار تیر افتاده است یکی گرفته شود . اینجاست که به یاد این سخن بهسار والای علمی (ع) می افتیم که درباره ابودر ، آن مجاهد رزمنده گفت :

xalvat.com

" ... وگان لا یشکوا و جمالا عند برقه "

" دردها و مصائب را بازگو نمی کرد و لب به سخن نمی گشود مگر پس از پایان آن و فراغت یافتن از آن "

مجاهدین خلق ایران

فروردین ۱۳۵۸



"اطلاعیه تعیین مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران در برابر جریان اپورتونیستی (انحرافی) چپ نما" (۱)

xalvat.com

۱- سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمانی است با ایدئولوژی اسلامی و معتقد به مبارزه مکتبی که در سال ۱۳۴۲ هجری قمری توسط شهید محمد حنیف نژاد، شهید محسن و علی آصفی و دیگر زادگان

(۱) - مفاد این اطلاعیه که ضمناً "معرف سیمای ایدئولوژیک مجاهدین نیز میباشد، همزمان با سلطه خائنانه جریان اپورتونیستی بر سازمان (تابستان ۵۲ به بعد) پیوسته مورد تأکید برادران شهید ما از جمله شهید شریف واقفی، شهید فرهاد صفا، شهید مرتضی صمدیه، شهید محمد یقینی و... قرار داشته است. انقلابیون موحد و والا قدر که شماری از آنها در مسیر مبارزات صادقانه ضد اپورتونیستیشان که مضافاً بر مبارزات انقلابی ضد امپریالیستی با آنها راستگین کرده بود سرانجام بدست فرصت طلبان چپ نما، این دشمنان درونی خلق بسه شهادت رسیدند. به دنبال انتشار بیانیه اپورتونیستی در پائیز ۵۴ خطوط اصلی مواد فوق تنظیم و سپس در پائیز ۵۵ مشغول "تدوین و قابل انتشار گردید. سرانجام در پائیز ۵۶ با مراعات چند تکلیف جزئی مواد ۱۲ گانه بصورت گنونی درآمد، یکبار نیز در فروردین ۵۷ مواد فوق بصورت ناقص و تحریف شده توسط سمپاتیهای غیر مسئول در معرض انتشار قرار گرفت.



- بنیانگذاری شده و مجاهدین ادامه دهندگان راه آنها می باشند .
- ۲- جریان اخیر (تغییر دادن ایدئولوژی سازمان) یک جریان اپورتونیستی (انحرافی) چپ نماست که سردمداران آن به سازمان مجاهدین خلق ایران و در نتیجه به جنبش خیانت کرده اند .
- ۳- این جریان اپورتونیستی چپ نما هیچگونه تغییر در تضاد اصلی ما ایجاد ننموده ، دشمن اصلی ما همچنان رژیم و حامیان امپریالیست آن می باشد .
- ۴- این جریان اپورتونیستی چپ نما بهیچ وجه حق استفاده از نام " مجاهدین " را ندارد ، و ادامه استفاده از آن به منزله استمرار خیانت است ، نام " مجاهد " متعلق به سازمان مجاهدین خلق ایران است که بایستی بدون هیچگونه تغییری با همان آرم ، آبه و سال تاسیس ، مورد استفاده قرار گیرد .
- ۵- هیچ جریان یا عنصر مسلمان نبایستی با این اپورتونیستها ارتباط و همکاری داشته باشد . هر گونه ارتباط و همکاری سازشکاری محسوب میشود .
- ۶- ما با این جریان اپورتونیستی چپ نما مبارزه می کنیم تا به خط صریح باز گشته ، با منزوی گردد . مبارزه ما یک مبارزه سیاسی با شیوه های افشا گرانه است و هر گونه استفاده از شیوه های ارتجاعی ، از قبیل : کشتن ، لو دادن ، همکاری با پلیس و کمک گرفتن از امکانات رژیم را در این مبارزه محکوم می کنیم .
- ۷- ما ، بین این اپورتونیستها و سایر مارکسیستها تفاوت قائلیم مگر اینکه آنها این اپورتونیستها را تأیید کنند .
- ۸- ما به تمام نیروهایی که علیه امپریالیزم ، ارتجاع و استثمار مبارزه می کنند احترام می گذاریم و از دستاوردهای علمی و تجاری انقلابی آنها استفاده می کنیم .
- ۹- برادران مجاهد ما در داخل زندانها نبایستی با این اپورتونیستها رابطه ای جز رابطه انسانی و حداقل رابطه صنفی برقرار کنند .
- ۱۰- این جریان اپورتونیستی چپ نما ، موجب بروز زود رس یک جریان راست ارتجاعی شده است که در مرحله کنونی تهدید اصلی درونی مجموعه نیروهای است که تحت عنوان اسلام مبارزه می کنند که ما با آن هم مبارزه می کنیم . جریان فوق از ضدیت با نیروهای انقلابی بویژه مجاهدین شروع شده ، و سپس در مسیر رشد خود ، با نفی مشی مسلحانه به سازشکاری و تسلیم طلبی و سرانجام خروج از جبهه خلق



تحلیل آموزشی بیانیه

۳

و تفسیر تضاد اصلی منجر میشود، این جریان اپورتونیستی، خطر بروز رشد خمایص ارتجاعی را در درون نیروهای مترقی مسلمان، پیش می آورد، در مورد ادامه دهندگان راه مجاهدین گرایشهاست، ارتجدید نظر در دیدگاههای بنیادی سازمان آغاز میشود.

xalvat.com

۱۱- سلطه این جریان اپورتونیستی چپ نما بر سازمان، با اعمال شیوههای ضدانقلابی و استفاده فرصت طلبانه از موارد زیر صورت گرفته است:

الف - تکمیل نشدن کار ایدئولوژی سازمان و پیاده نکردن تعلیمات ایدئولوژیک، در سطح وسیعی از کادرها بطور مکنفی، بعلت رشد کمی نامتناسب با کیفیت، ب - ضربه شهریور ۵۷ و از دست دادن کادرهای ذمه‌ساز، و در نتیجه عمل زدگی و دنبال نکردن کار ایدئولوژیک،

ج - ترک تعلیمات ایدئولوژیک سازمان، که با توجه به نفوذ عملی و نفوذ مارکسیسم در مصر ما، سلطه این اپورتونیستها را بر سازمان تسهیل کرده است.

۱۲- ایدئولوژی ما اسلام، مهمتی بر جهان بینی توحیدی است که جامعه را با شیوههای انقلابی به سمت محو کامل استثمار و استقرار نظام توحیدی (قسط) هدایت میکند، ولذا در هر شرایط تاریخی اساساً متکی بر محرومترین و بالندهترین نیروها و طبقات اجتماعی (مستضعفین) می باشد.

بنابراین مجاهد خلق در پرتو ایدئولوژی اسلامی خود با ویژه گمهای ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی، و ضد استثماری که در شرایط حاضر مشی مسلحانه را ایجاد می کند مشخص می شود.

وظیفه ما، در شرایط کنونی حفظ و حراست میراث مجاهدین و تلاش در جهت احیاء و باز سازی آن می باشد.



مؤخره فصل اول

سخنی با مردم و نیروهای خلقی

نهایتاً " و بطور تاریخی این تنها مردم و نیروهای مردمی هستند که نیک و بد موضع گیری‌های سیاسی و اجتماعی مختلف را قضاوت میکنند ، به این ترتیب ما به معمار برحق و اصلی مجهز میشویم که اراده خدا نیز بطور تاریخی از طریق آن بیان میگردد .

xalvat.com

اکنون به دنبال مرور تاریخچه جریانی که ما آن را به دلایل سیاسی - مردمی ، فرصت طلبانه و اپورتونیستی خواندیم ، وقت آن است که مسئله خود (مجاهدین) را که در حقیقت مسئله این جنبش و این میهن و این مردم است ، در آستان این خلق قهرمان و تمامی نیروهای وابسته بدان باز بگشاییم و از آنها داوری طلب کنیم . در این نظر سنجی مردمی و دادخواهی خلقی ، اعتقاد ما بر این است که خلق هیچ گاه بطور تاریخی اشتباه نمیکند و صحیح و سقیم را با یکدیگر آفشته و هم ارز بجانمیگذارند ، از این رو چرا " مجاهدین " این خلق قهرمان که به تاکید ، موجودیت خود را از نیازهای جنبش همین مردم دارند ، و در راه خواست‌ها و آرمان‌های حق طلبانه همین مردم به مجاهدت پرداخته‌اند " مسئله " خود را سرانجام با همین خلق ، که بطور تاریخی معیارنهائی



مجاهدین خلق ایران

۲۴۸

سنجش اصالت راهها و اقداماتی است که خود آنها را برانگیخته و نهایتاً " نیز به مصالح خود او منجر میشود ، مطرح نسازند؟ مسئله در یک کلام و در ساده‌ترین صورت خود اینست | آیا " تولد جدیدی " که به تلاشی شدن تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۴ منتهی شد، یک تولد ضروری، طبیعی، مشروع و برحق است؟ دو جواب بیشتر وجود ندارد: آری یا نه، برحسب جواب اول (آری) که محل اشتراک ضد اسلامی و ضد مجاهدی رژیم ضد خلفی، مرتجعین راست و اپورتونیست های چپ‌نماست، از آنجا که اسلام را در عمل با " تکامل " (۱)، " نفی استعمار " (۲)، " دیالکتیک " (۳) و مواضع اجتماعی حقیقتاً توحیدی به نفع طبقات بالنده و محروم اجتماع (مستضعفان) (۴) کاری نیست، پس ایدئولوژی مجاهدین یک مطلقه انتظامی مارکسیست - اسلامی بوده که لاجرم در همین زمان (۵) (سال ۱۳۵۴) سازمانشان تلاشی یا انشعابی را در تقدیر داشته است. مطابق این طرز تفکر (چه در قالب مارکسیسم عرضه شود یا در لباس اسلام) " واقعی، ضروری و ضروری حقیقی (۶) است " به این معنی که تفاوتی میان آنچه هست و اتفاق افتاده با آنچه باید باشد و باید اتفاق می‌افتاد وجود ندارد، واقعیت و حقیقت از یکدیگر جدا نیستند و بنا بر این آنچه واقع شده ضروری و لهذا حقیقی بوده است، پس آنچه بر سر " مجاهدین " آمده است نیز به دلیل واقعیت داشتنش از حقیقت نیز برخوردار بوده و ولادت جدید، تولدی طبیعی و مشروع

xalvat.com

۱۳۰۲، ۳ و ۴ اینها برخی از مبانی و بنیادهای عقیدتی توحیدی مجاهدین هستند. البته در مورد دیالکتیک متذکر می‌گردیم که به انگار قرآن و نهج‌البلاغه، دیالکتیک ما یک دیالکتیک توحیدی است که بر مبنای اصالت دادن به " وحدت " (که سمت تکاملی حل تضادها نیز میباشد) در کل جهان قرار دارد .
(مراجعه کنید به مباحث ایدئولوژیک) .

۵ - مبدائیم که مارکسیست‌های اصولی که فی الواقع هم به هیچ وجه شریک جرم اپورتونیست‌های چپ‌نما نیستند، لا اقل معتقد نیستند که این تلاشی یا تجهیز در همین زمان (سال ۵۴) و خلاصه تا پایان نبرد ضد امپریالیستی اجتناب ناپذیر بوده است .

۶ - این عبارت در اصل از آن هگل است ،



تحلیل آموزشی بیانیه

۳۴۹

است و از این پس بایستی به دنبال دلایل اجتناب ناپذیری و حتمیت وقوع آن کشت تا موجه و طبیعی نیز بنماید، پس بی دلیل نبود که این هر سه گروه (رژیم، مرتجعین، چپ نماها) به دنبال ضربه دردناک سال ۱۳۵۴ سر از پا نشناختند و هر یک به طریقی با عبارات و کلمات خاص خودشان جشن گرفتند و بدان تبرک جستند.

چپ نمایان که خود عاملین فاجعه بودند، رژیم شاه مدت ها پیش از همه، مارک مارکسیست اسلامی را علیه مجاهدین علم کرده بود، مرتجعین نیز اگر چه از این بیشتر و وقتی که باد در سمت مجاهدین میوزید موزرانه به آنها کرنش ها کرده بودند ولی اکنون به خود حق میدادند که بگویند " نگفتم! " راست میگفتند، آنها همیشه به رغم کرنش های چاکرانه علی شایان، در خفا، آرمان های حق طلبانه و یگانه ساز توحید و اسلام مجاهدین را " فریب" و برخلاف اسلام ارتجاعی خود میانگاشتند.

" اذيقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض فر هو لاء ديتهم و من يتوكل على

xalvat.com

الله فان الله عزيز حكيم .

هنگامی که دو رویان و کسانی که در قلب هایشان بیماری است میگفتند: اینان را دین شان فریفت، و کسی که به خدا توکل ورزد پس همانا که خدا چهره شونده و با حکمت است، انفال آیه ۴۹ "

براستی آنان غافل بودند که همه این ابتلائات و فتنه ها برای آزمایش همین مردم است، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد،

" ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا و ليعلمن الكاذبين، همانا کسانی را که قبل از ایشان بودند نیز آزمودیم تا مشخص کند خدا آنان را که صدق ورزیدند و تا مشخص کند آنان را که دروغ میگفتند، عنکبوت آیه ۳ "

هم آنان بودند که مشتی بی اطلاع و جاهل دیگر را نیز به دنبال خود کشاندند، اینان در ضدیت شان با مجاهدین و اسلام اصیل انقلابی نمی دانستند که آب به آسیاب همان چپ نمایان میریزند که در ظاهر هیچ اشتراک عقیدتی با آنها ندارند، همان چپ نمایان که (چنانکه دیدیم) " حرکت طبیعی و طبیعتا " جبری " سازمان و اسلام ما را به جرم ارتقای خواهی و دفاع از نفی استثمار به جانب ماتریالیسم دانسته و از همین رو متلاشی کردن آن را یک " ضرورت طبیعی " قلمداد میکردند. همانها که درباره تاسیس گروه ایدئولوژی به منظور " تدوین ایدئولوژی انقلابی اسلام "

در سازمان ما نوشته بودند:

" این امر مسلماً " قدمی به عقب در روند تکامل فکری سازمان بود. اما مفاسدانه این قدم برداشته شد، و حرکت طبیعی و طبیعتاً " جبری ای که سازمان ما (به رسم اپورتونیست‌ها) به سمت اتخاذ یک موضع سالم انقلابی، به سمت درک صادقانه حقیقت (که همان حقایق اپورتونیستی منظور نظر است) طی میکرد، با این موضع جدید دچار اختلال شد. . . . " (صفحه ۹۴ بیانیه) .

و اما برحسب جواب دوم (نه) که موضع توحیدی قاطع خود مجاهدین است متلاشی شدن سازمان نه ضروری بوده است و نه طبیعی و حقیقت جویانه . بلکه متلاشی کردن آن ناشی از یک فرصت طلبی خیانت بار میباشد که با اعمال روش های فاشیستی انجام شده است . (۱)

در اثبات غیرطبیعی بودن و عدم مشروعیت آنچه فرصت طلبان آنرا " تولد جدید " مینامند (و در حقیقت در ضربه مرگباری به پیکر سازمان و صاحبان واقعی آن خلاصه میشود) دلایل مستحکم بسیاری در دست است ، از جمله :

۱ - به تصریح خود بیانیه این حرکت " طبیعی " ! صرفاً " از بالا به پایین در سازمان به راه افتاده (ص ۱۴ مقدمه بیانیه) " است .

قبل از نفوذ اپورتونیسم حتی یک فرد نفیسه موضع داده مارکسیست شده در سازمان یافت نمیشود . در این صورت چگونه میتوان این حرکت را درون جوش و طبیعی قلمداد کرد ؟

۲ - به تصریح خود بیانیه بیش از ۵۰ درصد از کادرهای سازمان در جریان این تغییرات تصفیه شده اند ، در این مورد در صفحه ۲۵ مقدمه بیانیه چنین میخوانیم :

(مجموعاً در تمام طول ۲ سال " مبارزه ایدئولوژیک " قریب ۵۰ درصد از کادرها مورد تصفیه قرار گرفتند و بسیاری از کادرها از مواضع مسئول تا کسب

۱ - چنانکه گفتیم مارکسیست‌های اصولی نیز مطابق معیارهای سیاسی خود طی مرحله گتونی انقلابی " متلاشی کردن مجاهدین را با شهر " طبیعی و جبری " تأیید نکرده و آن را مظهر اپورتونیسم میدانند .



صلاحیت‌های لازمه کنار گذارده شدند .»

مطابق اظهارات غیر رسمی ، درصد واقعی تصفیه‌شدگان از این هم بیشتر است و تا حدود ۲۵ الی ۸۰ درصد نیز گفته شده است . در این صورت چگونه میتوان حرکتی را که به تصفیه قریب نصف تا سه چهارم افراد بیک سازمان منجر شده طبیعی و درون جوش نامید ؟ تازه اگر بوجی‌ها و بی‌انگیزگی‌های تصفیه‌ناشده‌ها را هم در نظر بگیریم تصویر بسیار سیاه‌تری از تغییرات انجام شده خواهیم داشت .

۳- به دلیل تمام روشهای فاشیستی - پلیسی که در جریان تغییرات مزبور دیدیم ، این تغییرات نمیتواند "طبیعی" و "جبری" و ضروری تلقی شوند . در یک تغییر طبیعی و "تولد مشروع" چه نیازی به این همه تناقض، دروغ، نطاهر، فریبکاری، تهدید، شکنجه و کشتار است؟ "طبیعت" شیئی برای بروز و تحقق آن از تومبعل به این روشها نیازمند نیست . متأسفانه هنوز اطلاعات ما در مورد تعداد دقیق مجاهدین به شهادت رسیده توسط اپورتونیست‌ها، تکمیل نشده و هنوز بیش از ۴-۵ نفر از این شهدا را نمیشناسیم ، اما بی‌گمان احکام اعدام (اعم از این که اپورتونیستها فرصت و امکان اجرای همه‌آنها را نیافته‌باشند) بیش از اینها بوده‌است . آیا اعدام انقلابیون مجاهد به وکالت از جانب دروغمان و ماموران اعدام شاه، به تنهایی یک خیانت ضد انقلابی که هرگونه ادهای طبیعی بودن تغییرات کذائی را باطل میسازد نیست؟

xalvat.com

۴- صرفنظر از دروغ‌ها و تناقض‌گویی‌ها، بیانیه‌خود در همه جا چنانکه دیدیم بر "طبیعت" اسلامی سازمان مجاهدین که هرگونه زایمان تشکیلاتی فرصت طلبانه و غیر اسلامی را غیر طبیعی و ناموجه میسازد ، تصریح میکند .

۵- انبوه بی‌انگیزگی‌ها ، بوجی‌ها ، سازشکاری‌ها ، تسلیم طلبی‌های افراد جریان تغییر یافته که بارها تا همکاری کامل با رژیم شاه ، مقدم تغییرات طبیعی را گرامی داشتند (باز هم به مثابه یک جریان و نه افراد پراکنده) فرض هرگونه طبیعی دانستن جریان را از بنیاد باطل میکند .

آیا "وحید" قهرمان سالهای ۵۰-۵۲ در جریان یک تحول طبیعی به "وحید" خیانتکار سال ۵۲ تبدیل شده است؟ البته فعلا کاری به یک استدلال بچه فریب دیگر اپورتونیست‌ها در این باره که نموده‌های عفونت‌بار جریان



اپورتونیستی را باز هم از "عوارض طبیعی دوره گذار" (از یک ایدئولوژی به ایدئولوژی دیگر) میدانند، نداریم و آنرا درجای خود مفصلاً بررسی خواهیم نمود. فقط متذکر میگردیم که ای تفویض بر آن گذاری که عوارض طبیعی اش اینها باشند. (۱) مثل این است که به مردم یک کشور سرمایه داری وابسته بگویند برای گذار از دوره وابستگی و نیل به دوران آزادی ملی ابتدا به دوره بردگی (با تمام عوارض آن) برگردید تا بعدها بطور طبیعی (و پس از طی همه دوران های واسطه) به آزادی ملی برسید! در اینجا نیز اپورتونیستها که حسب العمول در دوران سانسور (خنده و گریه) میدان سوداگی خود را از هم آوردان صدیق تهی دیده بودند و هر جنس انحرافی اسقاط و بنجلی را به جای اجناس مرغوب تکامل یافته قالب میکردند. (آنچنان که گوئی تکامل و انحراف هیچ یک معیاری در دنیای خارج از ذهنیت اپورتونیستی ندارند). چنان که گوئی هیچ رابطه ماهوی بین یک گذار و عوارض ضروری ملازم آن، وجود ندارد. به این استدلال بچه فریب چوب حراج زده اند. اگر چه متأسفانه! خریداری جز تابعان و دستاموزان، فرصت طلب خودشان نیافتد.

xalvat.com

۶- تحلیل اقتصادی - اجتماعی اپورتونیست ها که بر مبنای آن، تغییرات کذایی مورد نظرشان را موجه جلوه میدهند چنانکه دیدیم در کثر جانی واقعگرایانه و خالی از تناقضی است. (۲) (بجز در بدیهاتی همچون رشد سرمایه داری وابسته) حقیقتاً در توضیحات آنها (بجای "تحلیل اقتصادی" آتش در هم جوش و آشفتگی فکری درجه اول حاصل آمده است.) (۳) برآستی استدلالات بکار گرفته شده در این تحلیل و "تغییرات" متعاقب آن "استدلال بیکه گودن بی مقدار" (۴) است که نمی فهمد عروسکی است در دست بورژوازی امپریالیست. (۴)

۱- اینجاست که در رابطه با "گذاری" که این عوارض را داشته باشد باید از قول امثال "وحید" گفت: از طلا گشتن (که همان چپ نمائی باشد) پشیمان گشته ایم، مرحمت فرموده ما را مس کنید!

۲- در این مورد در فصول آینده بیشتر صحبت خواهیم کرد.

۳- جمله از آن لنین در نقد تحلیل اقتصادی گائوتسکی است.

۴- نقل از لنین در گائوتسکی مرتد.



تحلیل آموزشی بیانیه

۲۵۳

بی مناسبت نیست در همین جا به یکی دیگر از تحلیل های اقتصادی از همین دست که در جریان اپورتونیستی صورت گرفته بود اشاره کنیم؛ نقل میکنند که یکی از تابعان اپورتونیست ها میخواست علت مارکسیست شدن خودش و مارکسیست نشدن برادرش را تحلیل کند. حسب المحمول چون باید علت مارکسیست شدن هر فردی به موضع طبقاتی غسرده بورژوازی او نسبت داده می شد، حال این که هر دو برادر از یک خانواده مرفه بودند، تحلیل به بن بست میرسید. البته میدانیم که تحلیل مارکسیستی اساساً "حاکم بر طبقه است و نه فرد، لیکن شخص مورد بحث ما که توان فهم این مطلب را نداشت چنین استدلال میکرد که اگر چه درست است که هر دو برادر در یک خانواده به دنیا آمده اند، ولی برادر تشبیر موضع داده و مارکسیست شده در ایام تنگدستی خانواده و بخصوص "زمانی که نسبه خرید میکرد هاند"؛ به دنیا آمده در حالی که برادر مجاهد سلطان به هنگامی که خانواده در رفاه بوده است، متولد شده و لذا امکان اکتساب وجدان به اصطلاح پرولتری از او سلب شده است!

xalvat.com

اینجاست که به دلیل خوش خدمتی کلانی که اپورتونیست ها با متلاشی کردن سازمان مجاهدین (من غیر مستقیم) به ضد انقلاب و رژیم شاه کرده اند، بدلیل ۰۰۰۰ این خدمتگزاری پلید در آستان سرمایه داری (۱) که ((با استناد مارکسیستی به "پیرویه تولید" پرده پوشی ۰۰۰) شده است (۲) باید به نلال از لنین از تمام مارکسیست ها (چه در داخل و چه در خارج ایران، و به ویژه آنها که مقدم اپورتونیسم را گرامی داشتند) بپرسیم: "اگر این مارکسیسم است، پس چه چیزی چاکری در آستانه بورژوازی نامیده میشود!" (۳) حقیقتاً اگر متلاشی کردن سازمان مجاهدین در بحبوحه نبردش با امپریالیسم و رژیم شاه، علیرغم کاروان شهیدان و انبوه اقشار حمایت کننده آن "مارکسیسم" است حق نداریم تعریف "بزرگترین چاکری و خوش خدمتی غیر مستقیم ممکن در آستان رژیم شاه" را جویا شویم؟ (۴)

۳ و ۴ - نقل از لنین در همان کتاب.

۴ - اینجاست که روشن میشود چرا باز هم به قول لنین مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با اپورتونیسم جدا نیست.



اینجاست که با اعتقاد به این نکته که مارکسیسم = لنینیسم در دست های خیانت‌بار چپ نمایان به پراگماتیسم (مصلحت پر دازی عطفی) تنگ نظرانه و فرصت طلبانه‌ای تبدیل شده است. سارتر را به یاد می‌آوریم که یکبار نوشت:

" هر کس آزاد است هر چه می‌خواهد بیندیشد، ولی خدا کند که بیندیشد "

و ما خطاب به فرصت طلبان می‌گوئیم: وقتی حقیقت اسلام را درک نکرده‌اید، آزادید که مارکسیست بشوید (لا اگره فی الدین) ولی باز هم ای کسانی مارکسیست = لنینیست میشدند! (۱)

۷- در حیطه عمل سیاسی، ادعای اپورتونیستی بن‌بست در خط مشی مسلحانه که گویا به زعم اپورتونیست‌ها مسائل آن در گذر ایدئولوژی اسلامی سازمان لاینحل بوده کذب محض است.

دلیل آن هم تأکید این پیش بینی مجاهدین واقعی در عمل است، که به محض تغییر ایدئولوژی، نفی مشی مسلحانه را در آینده نزدیک توسط اپورتونیست‌ها، و افتادن آنها را به موضع راست سیاسی پیش بینی نمودند چنانکه در سؤال و جوابهای بخش مربوط به مسائل سیاسی- استراتژیک تحلیل بیانیه نیز خواهیم دید، در همین بیانیه علیرغم تأکیدات غلیظ و شدید ظاهری بر مشی مسلحانه آثار و رد پاهای فراوانی که از آنها بوی نفی مشی به مشام میرسد، وجود دارد.

پس کسی که علیرغم مارکسیست شدن در آستانه نفی مشی مسلحانه قرار دارد، چگونه میتواند مدعی شود که به خاطر پاسداری از این مشی " بطور طبیعی " مارکسیست شده است؟

xalvat.com

۱- و نه پیرو امثال فویرباخ:

در همین جا بی‌مناسبت نیست که استدلال بسیار موگدی را که بعضا افراد با اصطلاح مارکسیست شده علیه مجاهدین تغییر موضع نداده نگار می‌بردند یادآور شویم. آنها با الصراحه می‌گفتند که " رژیم شاه چون بورژوازی را رشد میدهد از شما (مجاهدین) شرقی‌تر است " آخر به زعم آنان مجاهدین نماینده خرده بورژوازی و مدافع تولید کوچک بودند و لذا تولید کلان ماشینی بورژوازی را خوش نداشتند!!



تحلیل آموزشی بیانیه

۲۵۵

- ۸- ادعای مارکسیست شدن طبیعی در جریان عمل، بمدد پروسه اصلاح و آموزش و اقتناع نیز بکلی بی پایه است. با یک نگاه سریع به روش های مارکسیست نمودن، نیازی به توضیح بیشتر در این مورد نخواهد بود. (۱)
- ۹- از نظر تشکیلاتی نیز این تولد به اصطلاح تکاملی کاملاً طبیعی! نه تنها هیچ وحدت و انسجام بالاتری را باعث نشده (در حالی که اگر طبیعتاً تکاملی بود، با پستی الزاماً سازگاری و وحدت بیشتری را چه در درون و چه در مناسبات این تشکیلات با بیرون از خودش یعنی مردم - باعث میگشت) بلکه اپورتونیستها در هر کجا که بودند "صد پاره" شدند. درست مانند پالتومند پاره آگاکانویچ گدای مشهور روسی که پلخانف، تشتت و صد پارگی نارودنیکها را که چشمشان را برواقعیات بسته و "ننوانسته بودند میان خود و واقعیت پل بزنند" بدان تشبیه میکند. بدین گونه بود که ما در هر کجا با شماری از بقایای اپورتونیستی روبرو میشدیم که بدون هیچ حساب و کتابی آنها هم کوس "رهبری" میزدند و باز هم دست از داعیه رهبری این خلق (که آنهمه بدشمنش خوش خدمتی کرده بودند) برنمیداشتند. خصوصیات اصلی این افراد که مستقیماً آنها را از پرچمداران سلف خود به ارت برده بودند چنین بود: اشتباهی وافر برای رهبری کردن و قبول نداشتن هیچ چیز و هیچ کس (حتی هیچ سازمان و گروه مارکسیست دیگر) بجز خودشان.

xalvat.com

- ۱- گفتم این که اخیراً در اعلامیه بقایای اپورتونیستها که هنوز هم مشافنه به رسم پذیرش بیماری "اپورتونیسم" در مورد آن پروسه به اصطلاح طبیعی تغییرات گذاشتی (یعنی پذیرش عنوانی که نخستین بار به وسیله مجاهدین در سال ۱۳۵۴ به این بیماری سیاسی تعلق گرفت)؛ از نام "مجاهد" تحت عنوان "بخش مارکسیستی - لنینیستی سازمان مجاهدین خلق ایران" استفاده و آنرا همچنان به لوک فرصت طلبی آلوده میکنند، صریحاً اصراف میشود که در سال ۵۶ "توده های سازمانی همراه با مسئولین برای اولین بار بطور جدی به مطالعه مارکسیسم - لنینیسم پرداخته اند".



مجاهدین خلق ایران

۲۵۶

آری اینها و دهها دلیل و نشانه دیگر (که با آنها را قبلاً دیده و یا در آینده بحث خواهیم کرد) همان نشانه‌هایی است که خلق ما و همه نیروهای مبارز وابسته‌بدان، بر اساس آنها " طبیعی بودن " و تکاملی بودن جریانی را که به متلاشی کردن سازمان ما در سال ۱۳۵۴ انجامید دآوری خواهد کرد. لیکن در خاتمه باید خطاب به نیروهای مسلمان سؤال کنیم که:

آیا مارکسیست شدن تعدادی افراد با آن روش‌ها که دهیم و زیر آن فشارها، در حالی که مسؤلان و سرپرستان اصلی سازمان یا به شهادت رسیده و یا در اسارت‌گاهها و شکنجه‌گاهها پسر میبردند و یا همچون شهید شریف واقفی خائنه به قتل میرسند، چیز بس عجیبی است؟ (نمونه ل.)

آیا سراسر تاریخ اسلام مطواز این فتنه‌ها و ابتلافاات (منتهی در شکل خاص خودشان) نیست؟

xalvat.com

آیا جنایات و انحرافات امثال خالد بن ولید یا زیاد بن ابیه (که در روزگاری قبل از همکاری با معاویه، عامل علی (ع) در فارس بود) چیزی از اصالت اسلام کم میکنند؟ اصولاً بایستی به حساب اسلام و مجاهدان آن گذاشته شود؟ و آیا این مطلب که میگویند معاویه زمانی کاتب وحی بوده است گناهی بر پیا میر و عدشهای به حساب " وحی " است؟ و آیا همه اقدامات خیانت‌بار انحرافی و ظلمانی را توان این هست که لکه کوچکی به اندازه " دانه خردل " نیز بر دامن آفتاب حقیقی اسلام بنشانند؟ پس درست بهمین دلایل چگونه میتوان اقدامات خیانت‌بار اپورتونیستی را محصول طبیعی مجاهدین خلق ایران دانست و برای آن حسابی جداگانه باز نکرد؟

این درست است که اپورتونیسم با تمام خیانت‌هایش توانست در یک مقطع، مجاهدین را از رهبری سازمانشان به زیر کشیده و با کشتار شماری از آنان سازمانشان را موقتاً متلاشی سازد. اما از این درست‌تر و قطعی‌تر این است که: مجاهد هرگز نمرده و نمی‌میرد. زیرا که " بنیاد " ایدئولوژی‌یکش (که به شکل یافتن چنان سازمانی انجامید) نمرده و نمی‌میرد. زیرا که اسلام نمرده و نمی‌میرد و نخواهد مرد.

" هوأذی أرسل رسولاً بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کلّه "

" او کسی است که رسول خود را به هدایت و آئین حق مجهز ساخت، تا وی را بر

تمامی ادیان و مکاتب دیگر برتری و چیرگی دهد. صف ۹ "



« آیا ندیدی که خدا چگونه کلمه و نهاد و آئین پاک را به درخت پاکیزهای مثلزد که بنیادش ثابت و پایرجاست و شاخ و برگ آن در آسمان، قرارگامی باذن پروردگار، خود میوه‌اش را میدهد و خدا برای مردم مثلها می‌آورد؛ شاید که متذکر گردند. و مثل کلمه و نهاد پلیده همچون درختی پلید است که از روی زمین ریشه کن شده و آن را "قرار" و بقای نیست. »

الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء (۲۴)
 توتی اكلها كل حين باذن ربها و يضرب الله الامثال للناس لعلهم يتذكرون (۲۵)
 و مثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض و مالها من قرار (۲۶)



اعلامیه سیاسی - نظامی شماره ۲۱

سازمان مجاهدین خلق ایران

بتاریخ ۵۲/۱۲/۲۲

فشرده گزارش فعالیت‌های سازمان از اواخر سال ۵۳ (ضریه اپورتونیستهای چپ نما) تاکنون

الذین اخرجوا من دیارهم یغیر حق الا ان یقولوا ینا الله ولولا دفع الله الناس بعضهم لبغمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا ولینصرن الله من ینصره ان الله قوی عزیز

xalvat.com

آنانکه از دیار (و تعلقات) خویش یناحق بیرون رانده شدند (و در حالی که گناهی نداشتند) مگر اینکه می‌گفتند (شعار شان این بود) هرودنگار ما " الله " است، اگر نبود که خدا گروه و طبقاتی از مردم را یا گروه و طبقه دیگر دفع و نفی نمی‌کرد همانا که مسلمانان پرستشگاهها ، کلیساها ، صلابی رسای انسانیت و مساجدیکه در آنها (کمال به سوی) خدا بیشتر یاد می‌شود (مکانهاییکه نقطه آفتاب هر نوع حرکت ضد ستمی یابید باشد) منهدم می‌شود و بطور قطع خدا کسی (کسانی) را که (راه) او را یاری نمایند ، یاری خواهد نمود و خدا توانای نیرومند است .

" به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران "

... با احترامی عمیق و انقلابی به هزاران شهیدیکه با خون خود یکی از بزرگترین دیکتاتورهای تاریخ را سرنگون کرده و پشت امپریالیزم ، صهیونیزم و ارتجاع منطقه را به لریزه درآوردند و به ما این فرصت را دادند که بعد از سالهای سیاه ، در آستانه ورود به سال جدید ، پیروزیهای درخشان خلق قهرمانان را در مرحله مبارزه ضد دیکتاتوری از مسیر طولانی انقلاب تبریک بگوئیم .

برای سازمان مجاهدین خلق ایران ، افتخار آفرین است که در سالهای سیاه دیکتاتوری ، احتیاق و سکوت، از تجسمات عینی آگاهی ، خشم و عصیان خلق ستمکشیده بر علیه امپریالیزم و مزدوران داخلی آن بوده و هرچم انقلابی خلق کبیری را به دوش داشته است .



رویدادهای خونبار سالهای اخیر ، مخصوصا سالی که ساعات آخرین خویش را می گذراند ، و پاسخهای کوبنده و فیر آمر خلق به دشمنانش ، این نکته را ثابت کرد که نبود برادران ما در میدانهای آتش و خون و مقاومتیهای قهرمانانه زیر شکنجه جلا دان رژیم شاه منعکس کننده عشم عروشان خلق و ترجمان واقعیات عینی میهنمان بوده است پس میتوان مبارزه سیاسی - نظامی سازمان را همواره بیانگر اصلی ترین و منطقی ترین پاسخ خلق به دشمنانش تلقی نمود ، این مبارزات نشان داد که موضع استراتژیک سازمان و شعار های " ضد امپریالیسمی ، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری وابسته " ی آن که از همان آغاز دوران تدارک عمل به تصویب رسیده بود تبلور عینی اساسی ترین خواست های خلق مان بوده است .

سازمان از بدو تا سهس خود در سال ۱۳۴۴ بدست مجاهدین شهید محمدحنیف نژاد ، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان تا کنون راه پرفراز و نشیبی را پیموده و همواره کوشیده است که به اصول مکتبی و آرمانهای توحیدی خویش و نیز به خلق رزمندهای که ما را بی دریغ در دامن حمایت خود پرورده است وفادار باشد و در راه تکامل جامعه سمت نظام بی طبقه توحیدی به پیکار و مجاهدت خونبار خویش ادامه دهد .

چهار سال از سلطه جریان انحرافی (اپورتونیستی) چپ نما می گذرد و در این مدت به دلایل ذیل ، تا کنون بجا ندانستیم که صریحا از پایگاه خود سازمان با خلق کبر و قهرمانمان سخن بگوئیم :

xalvat.com

۱ - علاوه بر اینکه کلیه امکانات تعلیماتی ، نظامی ، ارتباطی و سمپاتیک سازمان توسط جریان اپورتونیستی تاراج شده بود ، ما تا آخر سال ۱۳۵۵ تحت تعقیب و زیر ضربات نظامی - تشکیلاتی جریان اپورتونیستی بودیم که ضمن به شهادت رسیدن چند تن از بهترین برادران ما ، سازمان دوبار تا آستانه تلاشی کشیده شد ، البت این ضربات هرگز نتوانست توجه ما را از تضاد اصلی موجود در جامعه منحرف کرده و ما را وادار به اتخاذ شیوههای فیر انقلابی نماید لذا مسیرم ضربات سنگینی که پیوسته متحمل می شدیم ، هرگز از اصول انقلابی خویش منحرف نشده و دست به عمل متقابل نزدیم و تنها با اتخاذ شیوههای سیاسی و افشا گرانه علیه جریان مذکور وارد عمل شدیم و با منزوی کردن قدم به قدم جریان اپورتونیستی ، بالاخره توانستیم در برابر آن به پیروزیهای سیاسی - تشکیلاتی کامل نایل گردیم .



ام حسب الذین یعملون السیئات ان یمسقونا ساء ما یحکمون (آیا آنان که اعمال (شیوه‌های) زشت بکار می‌گیرند می‌پندارند که بر (سنت) ما پیشی خواهند گرفت ؟ چه بد قضاوتی است که می‌کنند !)

xalvat.com

۲ - هجوم سیاسی - ایدئولوژیک یک جریان راست ارتجاعی " ضد مجاهد " ، که برای کوبیدن معیارها و ارزشهای سازمان تا مرز سازش با رژیم شاه پیش رفت و از هیچگونه افتراء و تهمت ایدئولوژیکی - سیاسی دریغ نوزید و با تمام قوا کوشش می‌کرد که تضاد اصلی موجود در جامعه را تحت الشعاع تمایلات سازشکارانه خود قرار داده و با پناه گرفتن پشت سنگر " دفاع از اسلام " حرکت‌های خود بخودی را بر علیه مجاهدین و همه فرزندان راستین اسلام متمرکز نماید ولی ما برای اینکه تضاد درون خلقی را فعال نکرده و امکان تحصیل هر نوع سوء استفاده از تضادهای درونی را از دشمن سلب کنیم ، از همه تظاهرات و جلوه‌های تحریک آمیز سازمان (علیه جریان راست) ممانعت کردیم ، البته این تاکتیک به معنی عدول از اصول ایدئولوژیکی نبوده و تنها برای وحدت و یکپارچگی نیروها در مقابل رژیم دیکتاتوری چنین تاکتیکی اتخاذ شده بود ، ضمناً این جریان باعث شد که مرزهای دقیق اسلام راستین و اسلام شرک آلود را هر چه بیشتر بشناسیم " ولپیالی المؤمنین منه بلاه حسنا " (و ببازماید مؤمنین را (در مسیر مشکلات و شدائد) به بلا و آزمایش نیک (رشد دهنده) از جانب خود) .

۳ - ترمیم ضربات وارده به تشکیلات و تجدید سازماندهی (که مبرم ترین کار تشکیلاتی بود) ، کار مجدد تعلیماتی و ارتقاء وحدت ایدئولوژیکی سازمان به عالیترین سطح ممکنه که در برگیرنده وحدت استراتژیک و تشکیلاتی سازمان نیز بوده و طبعاً به زمان نیاز داشت ، در این رابطه حاصل تفوریک تجارب مهربور را در فرصتهای مناسب و هر چه زودتر در اختیار خلق قهرمانان فرار خواهیم داد .

۴ - اوجگیری جنبش دموکراتیک ؛ با توجه به تضاد درونی رژیم حاکم که در مواجهه جنبه‌های دیکتاتوری و لیبرال آن به چشم می‌خورد ، سازمان جهت تضعیف دیکتاتوری اصراری بر استفاده از نام خویش نداشت ، زیرا سعی دیکتاتوری بر آن بود که با دست آویز قرار دادن حضور سازمانهای انقلابی مسلح در سطح جامعه ، بهانه‌ای برای سرکوبی وسیع تر خلق داشته باشد با توجه به این مساله خط مشی سازمان طوری تنظیم شده بود که کارها و عملیاتش حتی المقدور تظاهر خارجی نداشته و در همین حال متضمن تقویت جناح رادیکال جنبش نیز باشد .



و بالاخره پیوستن مجدد برادران از بند رسته به سازمان و موضوع سازماندهی آنها، طبیعتاً یکی از اشتغالات عمده سازمان را تشکیل می‌داد. اما در تمام این مدت سازمان تا آنجا که با امکانات محدود خود می‌توانست، با اتخاذ تاکتیک‌های مناسب ضربات خود را بر پیکر رژیم دیکتاتوری وارد می‌نمود و بازوی نظامی خویش را در موارد لزوم بعنوان چتر حفاظتی جنبش دموکراتیک بکار می‌برد. در بسیج، سازماندهی و سمت دهی شعارهای مبارزات دموکراتیک فعالانه و من غیر مستقیم شرکت می‌کرد، مبارزاتی که خوشبختانه هر روز شاهد اوج گیری و اعتلای هر چه بیشتر آنها بودیم تا بالاخره در ماه گذشته، خلق مان با خروش انقلابی خویش برچم مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیسمی را بر فراز شکوهمند تری به اهتزاز در آورد که خصلت ممیزه آن، به زانو در آوردن قهرآمیز و مسلحانه اهرم نظامی رژیم در بسیاری از نقاط بود. و برادران مجاهد ما نیز همچون قطره‌ای در میان دریای خروشان خلق قهرمان، وظیفه خویش را در این پیکار بزرگ ادا نمودند که گزارش این عملیات بعداً در اختیار هموطنان مبارز مان قرار خواهد گرفت.

بدون شک قدرت سیاسی رژیم پهلوی منکوب و به زباله دان تاریخ ریخته و سایر نهادهای امپریالیستی نیز به شدت لرزاننده شد. ولی همچنان ریشه کن نشده باقی مانده و طبیعتاً سنی در تجدید حیات خویش می‌تواند و اگر آگاهانه و بطور قاطع با آن برخورد نشود و از انرژی موجود در جنبش که بطور عینی قادر به در هم کوبیدن دژهای امپریالیستی است، استفاده متناسب به عمل نیاید، امکان جاکمیت مجدد دست نشانندگان امپریالیسم، پس از ایجاد زمینه سیاسی لازم محقق خواهد شد و اینک ما مصمم تر از قبل و با توجه به میثاق سنگین خویش که با خدا و خلق مان بسته‌ایم، تا خشکانیدن ریشه‌های اقتصادی-اجتماعی و پلیسی-نظامی سلطه امپریالیسم، و سپس تا تحقق جامعه بی طبقه توحیدی قاطعانه به راه خویش ادامه خواهیم داد تا تمام عوامل تجاوز و جنگ از بین برود، «حشی وضع الحریبه اوزارها»

xalvat.com

اینک توجه هموطنان مبارز مان را به ملاحظات

سیاسی و تشکیلاتی ذیل جلب می‌کنیم :



۱- باید بدانیم که مبارزات خلق ما در عین کسب پیروزی درخشانش به پایان نرسیده و هنوز برای ریشه کن ساختن قاطع سلطه امپریالیسم راه دراز و دشواری در پیش دارد ، هر چند دستگاه بوروکراسی و سیستم پلیسی - نظامی دشمن ضربات سنگینی خورده است ، اما خطرا امپریالیسم زخم خورده و بقایای سیستم بوروکراسی و پلیسی - نظامی دشمن در کمین ما است و نهادهای اقتصادی - اجتماعی آن دست نخورده باقی مانده اند و باید در یک جریان دراز مدت مبارزه اجتماعی ، تمام ریشه های اقتصادی - اجتماعی امپریالیسم خشک و نابود شود ، کوچکترین تعلل و سهل انگاری در این مورد گناه نابخشودنی است .

xalvat.com

زیرا امکان هر نوع قوام مجدد این نهادها ، سلطه تمام و کمال امپریالیسم راه دنبال دارد و باید با پی گیریهای لازم فرصت تجدید سازمان و تجدید قوای پلیسی - نظامی را از دشمن گرفت و ما در اینجا صراحتا اعلام می داریم ، با توجه به فرد - هاها و نمونه هائی که سازمان بدست آورده است ، شبکه های پلیسی - نظامی بطور مخفیانه در شرف تکوین است و ما توجه دولت و تمام نیروها را به این مساله جلب می کنیم .

۲- سازمان ، ضمن تایید مواضع برادران مجاهد از بند رسته ، مبارزات سیاسی و افشا - گرانه آنها را در مقابل جریانات انحرافی و مجاهدت های بی امانشان در جهت حفظ میراث ایدئولوژیک سازمان و ارتقاء آن در داخل زندان را قسمتی از کار تشکیلاتی سازمان مجاهدین خلق ایران میدانند و عناصری را که از صفوف آنها تصفیه شده اند عناصر خراجی سازمان اعلام میدارند که این عناصر حق هیچگونه استفاده از نام و ارزشهای مجاهدین را ندارند و ما از پیش در مورد سرعت سیاسی برخی مدارک سازمان و تغییرات بینادی و دستکاری هائی که در آنها صورت گرفته به هموطنانمان هشدار می دهیم و این نوع برخورد های ناصادقانه و فرصت طلبانه را محکوم می کنیم .

اینک ما (صرف نظر از وابستگان به سازمان) تعدادی از شهدای سازمان را که از اول سال ۱۳۵۴ تا کنون بدست رژیم و اپورتونیستها و نیز همین مامورینهای مختلف سازمان شهید شده اند با رعایت تاریخ شهادتشان ذکر می کنیم با این توضیح که عده ای از اعضاء سازمان با توجه به محیط خفقان و پلیسی جامعه و برخوردهای غیر انقلابی و مقاومت شکنانه اپورتونیستها و نیز کمبود آگاهی از جریانات درون تشکیلاتی ، با حفظ مواضع قبلی خود در درون سازمان اپورتونیستی به نوعی سازش جهت حفظ خویش در مقابل پلیس تن داده بودند که بعضی از آنها در برخورد ها و حوادث مختلف جان خود را از دست داده اند و ما مشغول بررسی شرایط ویژه آنها

هستیم تا بتوانیم با شناسایی بدست آمده لیست کامل شهدای سازمان را در آینده منتشر کنیم .

جاودانه باد خاطره شهدای به خون خفته خلق ایران
گرامی باد یاد شهدای سازمان مجاهدین
ناپود باد کلیه مظاهر امپریالیستی
در اهتزاز باد پرچم انقلاب توحیدی

مجاهدین خلق ایران ۵۷/۱۲/۲۷

xalvat.com

نحوه شهادت	تاریخ شهادت	نام
تیر باران	۵۴/۱/۲۹	۱ - کاظم دوالانوار
تیر باران	۵۴/۱/۲۹	۲ - مصطفی خوشدل
شهید بدست اپورتونیستها	۵۴/۲/۱۶	۳ - مجید شریف واقفی
زیر شکنجه	۵۴/۵/۳	۴ - فاطمه امینی
زیر شکنجه	اردیبهشت / ۵۴	۵ - حسین کرمانشاهی اصل
تیر باران	۵۴/۱۱/۳	۶ - مرتضی صمدیه لباف
تیر باران	۵۴/۱۱/۳	۷ - مرتضی لبافی نژاد
تیر باران	۵۴/۱۱/۳	۸ - عبدالرضا منیری جاوید
درگیری	۵۴/۱۲/۲	۹ - علی محبی
درگیری	۵۴/۱۲/۸	۱۰ - فرهاد صفا
تیر باران	شهریور / ۵۵	۱۱ - محمد صفری لنگرودی



درگیری	مهر / ۵۵	۱۲- علیرضا الفت
درگیری	۵۵/۸/۲	۱۳- محمد رضا باب احمدی
تبر باران	۵۵/۹/۱۴	۱۴- محمد حسن ابراری
درگیری	۵۵/۹/۱۸	۱۵- بهجت تبهتکچی
شهید بدست	سال ۵۵	۱۶- محمد یقینی
اپورتونیستها	xalvat.com	
_____	سال ۵۵	۱۷- برادری با اسم مستعار پرویز
زهر شکنجه	سال ۵۶	۱۸- محمد علی مهدوی
حین ماموریت	۵۶/۱۰/۴	۱۹- جلال هدشی
درگیری	دی ماه / ۵۵	۲۰- محمد الفت
حین ماموریت	۵۷/۱۱/۹	۲۱- حسن روشن پناه
حین ماموریت	۵۷/۱۱/۱۶	۲۲- محمد حسن نصیراوغلی خیابانی
حین ماموریت	۵۷/۱۱/۱۶	۲۳- محمد رهنمای شهبواری
حین ماموریت	۵۷ / ۱۲ / ۲	۲۴- محمد رضا طلوع شریفی
_____	سال ۵۷	۲۵- زهرا کودرزی